



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۵/۱۰

یونس نگاه

## شناخت محدودیت ها

سال 2011 تازه به اتاق تجارت رفته بودم و وظیفه داشتم در نوشتن اعلامیه، سخنرانی، گزارش و اسناد رسمی با بخش روابط عامه همکاری کنم. در همان سال مشکلات ترانزیت از خاک پاکستان و ایران درگیری برای اتاق شده بود و کمپاین پرسروصدا از سوی سکتور خصوصی در رسانه‌ها راه افتاده بود. روزی به من گفتند برو با بی‌بی‌سی مصاحبه کن. رفتم.

شب شده بود. مرا به یک اتاق تاریک هدایت کردند. تنها یک فیلمبردار آنجا بود. جای مرا نشان داد، مایک را به یختم وصل کرد و گفت به صفحه روشنی که روبرویم مانده بودند نگاه کنم. کمی بعد در گوشی‌ام صدایی از لندن سلام و علیک کرد و سوال پرسید. من که حس یک زندانی را داشتم جواب دادم. خبرنگار راضی نبود و با احترام گفت لطفاً چشم‌های‌تان را به صفحه بدوزید و بالا و پایین نگاه نکنید. سوال را دوباره پرسید و صحبت ادامه یافت، اما خبرنگار لندنی و آن خبرنگار داخل سالون تاریک هرچه تلاش کردند نتوانستند چشمان مرا آن‌طوری که انتظار داشتند به نقطه‌ای خیره نگه دارند. نمی‌توانستم. وقتی می‌خواستم چیزی بگویم دیگر چشمانم فراموش می‌شد. گذشته از آن محیط تاریک و آن کامره نورانی برایم بسیار غیرعادی بود.

از آنجا که برآمدم در اتاق کسی شکایت نکرد که خوب مصاحبه نکردی. خودم ندیدم که چطور مصاحبه کرده بودم. ولی با خود گفتم دیگر تن به آن شکنجه نخواهم داد. پیش خود می‌گفتم، چطور ممکن است آدم مثل بت بنشیند و در زاویه مشخصی گردنش را نگه دارد، اجازه نداشته باشد از شی نورانی روبرویش چشم بردارد و پلک‌هایش را نیز با احتیاط بزند، آن وقت منطقی، روان و درست هم صحبت کند (همه‌هه).

همه این‌طور نیستند. کسانی وقتی در آن فضا قرار می‌گیرند چارچ می‌شوند و بسیار با انرژی بیشتر می‌توانند سخن بگویند. عده‌ای عاشق نشستن روبروی کامره‌اند و کسانی سال‌ها تمرین کرده و بلد شده‌اند که چطور در آن شرایط پر از محدودیت ذهن خود را فعال نگه دارند، مستدل سخن بگویند، دروغ نگویند و احساسات خود را کنترل کنند. این کار تمرین و تلاش و همچنان توانایی و استعداد می‌خواهد.

پیش از آن‌که متوجه شوم در سخنرانی و استدلال لفظی مهارت ندارم، انرژی زیادی را صرف اشتراک در مجلس، سخنرانی و مقاله‌خوانی کرده بودم. در دوره متوسطه و لیسه از پیش‌پزک‌های صنف بودم. به هر بهانه پیش صنف یا سر صف می‌رفتم تا درس را تشریح کنم یا مقاله و شعر بخوانم. در پوهنتون هم کمی این عادت را داشتم. اما به تدریج متوجه شدم که سخنرانی و نوشتن دو چیز متفاوت است و جز برخی افراد استثنایی دیگران نمی‌توانند در هر دو ماهر شوند. اصلاً هر انسان وقت و انرژی کافی برای کسب مهارت در این دو چیز متفاوت را ندارد. خوشا به‌حال آنانی که دارند.

بعد از درک این واقعیت راحت‌تر شده‌ام. چند بار دوستان دعوت کرده‌اند که بیا در فلان برنامه مهمان شو و گپ بزن. حالا وسوسه نمی‌شوم و فوراً می‌گویم توانایی این کار را ندارم. دیروز یک دوست گفت در اکس (تویتر سابق) اسپیس دارم، بیا گپ بزن. گفتم گپ زدن بلد نیستم. تصادفاً امروز نیز دوستی پیام گذاشته بود که فردا اسپیس داریم و بیا گپ بزن. گفتم گپ زدن بلد نیستم. امیدوارم از این پس کسی خود را زحمت ندهد و مرا به گپ زدن دعوت نکند. شما هم اگر سخنرانی را دوست دارید و کم‌وبیش در آن کار مهارت دارید، اما نوشته نمی‌توانید احتمالاً گاهی دل‌تان می‌خواهد شعر یا مقاله و یا کتابی بنویسید. یا شاید از یگان نشریه دعوت می‌شوید که برای‌شان تحلیل بنویسید. اگر وسوسه شوید و بدون مهارت و شوق کافی مقاله‌ای یا "خدای نخواست" کتابی بنویسید، نتیجه کارتان خوب نخواهد بود. احتمالاً خود را و خوانندگان را اذیت خواهید کرد.

گپ آخر این که نباید آدمی که با قلم خوی گرفته دهانش را رخصت کند یا کسی که زبان‌گویا دارد قلمش را دور بیااندازد. داشتن مهارت حداقلی در هر دو لازم است. شاید روزی لازم شود که شاعری به میدان آید و با صدای

د پاپو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) يادونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي دليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خيږ و لولئ

ناموزون مسایل مهمی را فریاد بکشد، مقاله‌نویسی به تلویزیون برود و روشنگری کند. سخنران و تحلیل‌گر تلویزیونی قلم بگیرند و با املا و انشای متوسط پیام‌های بسیار ضروری را برسانند. کار اصلی اما هرچه جمع‌تر باشد و هر قدر آدم به محدودیت‌های خود آگاه باشد، نتیجه بهتر می‌شود.

آرشیف: نو یسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین

---

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلېکنې د لېکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ